

## سخن سردبیر

### انقلاب اسلامی الگویی برای جهان پساکولار

آیا انقلاب اسلامی ایران آن‌گونه که معاصرانش می‌پندارند خارق‌العاده است؟ آیا انقلاب اسلامی تا بدان حد بی‌سابقه، شالوده‌شکن، واژگون‌کننده و دگرگون‌ساز است که به تعبیر آنتونی پارسونز واقعه تاریخی‌ای است که آن را از نظر عظمت می‌توان با انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه مقایسه کرد؟<sup>۱</sup>

شاید وقتی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی برخی از نخبگان سیاسی و استراتژیست‌های غربی اعتراف می‌کردند که انقلابی که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) به سرنگونی

---

۱. آنتونی پارسونز، غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، هفته، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵.

شاه ایران انجامید، بی شک یکی از وقایع مهم سیاسی نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید،<sup>۱</sup> عده‌ای این اظهارات را تحت تأثیر هیجان‌ات اولیه ناشی از فضای انقلابی تلقی می‌کردند.

اما اکنون زمان اندیشیدن درباره سرشت واقعی این انقلاب، پیامدهای پایدار آن و آنچه انقلاب اسلامی دگرگون کرد و آنچه آفریده فرا رسیده است.

امروزه هم ما در موقعیتی ایستاده‌ایم که بتوانیم این رویداد به یاد ماندنی را در چشم‌انداز راستینش بازشناسی و تحلیل نماییم و پیرامون آنچه درباره عظمت این انقلاب گفته شده یا می‌شود، قضاوت کنیم و هم دستاوردهای انقلاب اسلامی به اندازه‌ای است که این قضاوت را آسان سازد.

وقتی الکسی دوتوکویل در سال‌های پایانی عمرش (۱۸۵۱ تا ۱۸۵۹م) کتاب *انقلاب فرانسه* و رژیم پیش از آن را می‌نوشت چیزی بیش از نیم قرن از زمان وقوع انقلاب فرانسه نگذشته بود. او می‌نویسد ما اکنون چندان از انقلاب فرانسه دور هستیم که تحت تأثیر شور سودایی کسانی نباشیم که شاهد این رویداد بوده‌اند. از سوی دیگر چندان بدان نزدیک هستیم که بتوانیم احساسات بنیانگذاران انقلاب و هدف‌هایشان را دریابیم. به زودی کار بررسی این انقلاب دشوار خواهد شد. زیرا زمانی که انقلاب‌های بزرگ موفق می‌شوند، علت‌های آنها دیگر ناپدید خواهند شد و همین مسأله موفقیت این انقلاب‌ها را فهم‌ناپذیر خواهد ساخت.<sup>۲</sup>

متأسفانه پاره‌ای از شبه روشنفکران دستپاچه این کشور - که عمدتاً چشم دیدن دگرگونی‌های خارج از قالب‌های ذهنی و باورهای کلیشه‌ای خود را ندارند - نمی‌خواهند باور کنند که ما با این انقلاب به تجربه‌ای بزرگ رسیده‌ایم ولی از محتوای آن غافل ماندیم و هرگاه به این تجربه نزدیک شدیم تا آن را درک کنیم و از ثمرات آن بهره گیریم، آن را در قالبی ریختیم که به کلی با ماهیت و اهداف خود ناهمساز بود.

۱. ویلیام سولیوان، *مأموریت در ایران*، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۱، ص. ۶.

۲. الکسی دوتوکویل، *انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نقره، ۱۳۶۵، ص. ۲۸.

انقلاب اسلامی یک تغییر معمولی رژیم در یک کشور جهان سوم و تغییر سلطان «ایکس» به ژنرال «ایگرگ» از طریق یک کودتای نظامی یا تغییر یک حکومت از طریق انتخابات و حتی سقوط یک دیکتاتور با اعمال خشونت بدون تغییری اساسی در سازمان حکومت، نبود. انقلاب ایران، هم‌زمان با فرو ریختن کامل اساس یک حکومت مقتدر و مستبد و مورد حمایت یک ارتش متحد و وفادار، موجب برخاستن ایرانی کاملاً متفاوت از میان ویرانه‌های نظام سرنگون شده بود.<sup>۱</sup>

آنچه اهمیت دارد این است که روشنفکران ما نمی‌خواهند ایران متفاوت برخاسته از ویرانه‌های نظام پیشین را دریابند. زیرا درک انقلاب اسلامی بی‌درک زمانه انقلاب ممکن نیست و جریان شبه روشنفکری ایران اثبات کرد که تا کنون درک درستی از زمانه خود نداشته‌اند. اگر این انقلاب هیچ دستاوردی نداشته باشد، حداقل به عنوان رخدادی در خور تحقیق است که اغلب نظریه‌های انقلاب، فرضیه‌های ناتوانی دین در ایجاد جنبش‌های اجتماعی و استراتژی‌های توسعه را در جهان مورد تردید قرار داده است.

عده‌ای در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی گفتند: نتایج این انقلاب در سطح جهانی هنوز به طور کامل روشن نیست، لیکن آثار آن در برهم زدن موازنه استراتژیک منطقه حساس خاورمیانه کاملاً مشهود است.<sup>۲</sup>

اگر چه درک این وادی در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی کار مشکلی بود اما اکنون که نزدیک به سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است با مطالعه تأثیرات آن در مسائل استراتژیک منطقه و دستاوردهای آن به راحتی می‌توان عمق تأثیرات را درک کرد. نیازی نیست برای ارائه شاهد این مدعا به سال‌های گذشته برگردیم.

وقایع مربوط به انتفاضه در فلسطین و حرکت حماسی اخیر حزب‌الله در لبنان بهترین دلیل

۱. آنتونی پارسونز، همان، ص ۱۹۵.

۲. ویلیام سولیوان، همان، ص ۶.

می‌باشد.

حزب‌الله در مقاوت جانانه اخیر خود در مقابل تهاجم وحشیانه و همه‌جانبه اسرائیل به لبنان ماهیت تغییر استراتژی‌ها و تاکتیک‌های کهنه را در منطقه خاورمیانه نشان داد و هر تحلیل‌گر ساده‌ای می‌داند که حرکت حزب‌الله لبنان نمونه‌ای بسیار کوچک از تأثیرات انقلاب اسلامی در منطقه است.

ابطال اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل چیزی شبیه به اسطوره شکست‌ناپذیری و برتری آمریکا در سیاست‌های جهانی بود. اما همان‌طور که انقلاب اسلامی استراتژی و تاکتیک‌های ایالات متحده را در گذشته، حال و آینده به زیر سؤال برد و پیامدهای حوادثی که در ایران اتفاق افتاد، در مورد کارایی سیاست خارجی آمریکا و جریان‌ات تصمیم‌گیری، نگرانی‌های جدی برای نظام سلطه به رهبری آمریکا ایجاد کرد،<sup>۱</sup> پیروزی حزب‌الله در لبنان نیز سیاست‌های جدید آمریکا و رژیم اشغال‌گر فلسطین را ابطال کرد.

لبنان در مقاوت اخیر خود به همان شیوه‌ای عمل کرد که رزمندگان ایران در طول هشت سال دفاع مقدس در مقابل تهاجم همه‌جانبه آمریکا، اروپا، شوروی و سایر کشورهای عربی حامی صدام عمل کردند. در اوضاع نظام سلطه جهانی که امروزه به نام دموکراسی و حقوق بشر و آزادی، سیطره خود را بر ملت‌های مسلمان و ستم‌کشیده تحمیل می‌کند، جنگ تا پیروزی تنها منطق کارساز می‌باشد. تجاوز آمریکا به افغانستان به بهانه مقابله با تروریسمی که پایه‌گذار آن بود و همچنین تجاوز به عراق و ساقط کردن دولتی که دست‌نشانده غرب بود و آمریکا آن را در مقابل جمهوری اسلامی تا دندان مسلح کرده بود، بهترین دلیل برای این منطق است.

همه این تهاجمات نشان می‌دهد که آمریکا، خاورمیانه و دنیای اسلام را تحت تأثیر نفوذ

۱. ر. ک: جان. دی استمپل، *درون انقلاب اسلامی*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا،

انقلاب اسلامی بر نمی‌تابد. امریکا و اروپا به دنبال خاورمیانه‌ای هستند که در آن مانند گذشته دولت‌ها مطیع، گروه‌ها و احزاب سیاسی وابسته و مزدور و ملت‌ها خاموش و زبان‌ها بسته و اسرائیل نیز لولوی سر خرمن آزادی و استقلال و تمامیت ارضی جهان اسلام باشد. انقلاب اسلامی این معادله سنتی را در منطقه به هم ریخت و به کابوسی از استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، مطالبه حقوق انسانی و حیات مجدد جهان اسلام برای غرب تبدیل شد.

امریکا و اروپا در انقلاب اسلامی منافع حیاتی زیادی را از دست دادند. بازگشت به دوران سلطه نیاز به خاورمیانه جدیدی دارد که عاری از حرکت‌های اسلامی مشابه انقلاب اسلامی باشد. افغانستان و عراق به عنوان پایگاه جدید و پاکستان و ترکیه به عنوان پایگاه‌های سنتی امریکا در منطقه، نقطه اصلی و اساسی سیاست‌های جدید امریکا در منطقه خاورمیانه است و اسرائیل نیز مترسکی است که پیوسته در بوستان آزادی مسلمانان کاشته می‌شود تا جلوی هر گونه آزادی و عدالت‌خواهی را در منطقه سد نماید.

اکنون امریکا نه تنها در افغانستان و عراق به اهداف خود دست نیافت بلکه مقاومت اصیل حزب‌الله لبنان در جلوگیری از تجاوز رژیم صهیونیستی و شکست سیاست‌های خاورمیانه جدید به دولت خودسر و جنگ‌افروز امریکا نشان داد که از پرتو انوار انقلاب اسلامی دیگر منطقه خاورمیانه، منطقه دست‌آموزی برای غرب نیست. حمایت قاطع آزادی‌خواهان جهان از مقاومت لبنان نشان داد که علی‌رغم هیاهوی تبلیغاتی بنگاه‌های سخن‌پراکنی وابسته به صهیونیسم جهانی، امریکا، رژیم صهیونیستی و حامیان اروپایی آنها هیچ وجهه‌ای به عنوان حامیان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در جهان ندارند.

چه خوب گفت معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) به حقوق‌دان‌های مدعی حقوق بشر:

نظر آن ملتی که نهضت را به وجود آورد و قدرت‌های بزرگ را شکست و بعد از این هم دنبال همین قدرت خواهد بود، تمام حظّ مال اینهاست. نظرهای اینها میزان است ... شما ای حقوق‌دان‌های ما، ای جمعیت حقوق بشر، دنباله این حقوق‌دان‌ها نروید. شما مثل

این قشر زحمت‌کش حقوق را اجرا کنید. اینها جمعیت حقوق بشر هستند، اینها برای حقوق بشر زحمت می‌کشند، اینها تأمین آسایش بشر را می‌کنند و شما صحبت می‌کنید، اینها عمل می‌کنند.<sup>۱</sup>

چه بپذیریم و چه نپذیریم انقلاب اسلامی آثار خود را در زنده کردن دین به عنوان برانگیزاننده جنبش‌های اجتماعی در دنیای پساکولار گذاشته است. اکنون بر خلاف دهه‌های آغازین قرن بیستم تنها دین است که می‌تواند شور آزادی‌خواهی، حقوق بشر و مردم‌سالاری را در میان ملت‌های عقب‌نگه‌داشته شده و خواستار انقلاب، استقلال و رشد و ترقی برانگیزاند. سیطره مطلقه سکولاریسم که حاصل مدرنیته و دستاورد انقلاب فرانسه برای جهانیان بود دستاوردی جز خشونت، جنگ‌افروزی، تولید سلاح‌های کشتار جمعی، نابودی محیط زیست، فساد اخلاقی، سلطه و سیطره بر ملت‌ها و سایر مصائب گریبانگیر تمدن جدید، به همراه نداشته است. اگر چه مدرنیته در حوزه علوم تجربی و فن‌آوری و اطلاعات دستاوردهای بزرگی به همراه داشته است اما این دستاوردها نه بشر را عقلانی‌تر کرد و نه خوشبختی و سعادت، حقوق بشر و آزادی را گسترش داده است.

جهان آینده جهان پساکولار و جهان تشنه معنویت و عدالت و جهان انقلاب‌های دینی است. اسلام به عنوان یک دین جهانی، دین رحمت و مهربانی و وحدت، دین عقلانیت، معنویت و عدالت است و استعداد آن را دارد که فضای جدیدی برای جهان پساکولار فراهم سازد. علت اصلی تهاجم جهان سکولار به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در دهه اخیر نیز ناشی از همین است. جهان سکولار اراده معطوف به معنویت، عقلانیت و عدالت‌خواهی اسلامی را احساس می‌کند. گسترش اسلام در سه دهه اخیر در جهان سکولار نشان می‌دهد که آینده از آن اندیشه‌ای است که عقلانیت، معنویت، عدالت و فراوانی نعمت را در کنار هم فضیلت بشمارد. انقلاب فرانسه و دستاوردهای لیبرالیستی و سوسیالیستی آن هیچ‌گاه استعداد همنشینی این چهار اصل را

نداشته است. اگر سکولاریسم به عنوان مذهب عصر مدرنیته خواستار جهانی شدن بود و پیامدهای آن زدودن همه مرزهای ملی و سکولار کردن همه جهانیان بود، چرا باید از جهانی شدن عقلانیت، معنویت و عدالت اسلامی هراس داشته باشیم؟

دوتوکویل در بررسی انقلاب فرانسه به درستی می‌نویسد که در وقایع‌نامه‌های تاریخ مکتوب دنیا آورده نشده است که انقلاب سیاسی‌ای چنین صورتی به خود گرفته باشد. تنها در برخی از انقلاب‌های مذهبی می‌توان چنین قرینه‌ای پیدا کرد. از همین روی اگر بخواهیم به بررسی انقلاب فرانسه در پرتو جنبشی همانند آن در کشورها و دوره‌های دیگر بپردازیم، باید به انقلاب‌های بزرگ مذهبی در گذشته بازگردیم.<sup>۱</sup>

اکنون عصر بازگشت انقلاب‌های بزرگ مذهبی است. انقلاب اسلامی ایران طلیعه آغاز چنین انقلاباتی برای جهان پساسکولار است. انقلاب اسلامی علی‌رغم تلاش‌هایی که دشمنان آن می‌کنند تا آن را برهم‌زننده آرامش، آسایش و حاکمیت ملت‌های منطقه و جهان معرفی کنند، مانند همه انقلاب‌های مذهبی استعداد نزدیک ساختن ملت‌هایی را دارد که اکنون به دلیل شرایط حاکم بر نظام جهانی، نه تنها چیزی از یکدیگر نمی‌دانند بلکه بدون اینکه یکدیگر را دیده باشند، دشمن هم به حساب می‌آیند. انقلاب اسلامی همان‌طور که در میان ایرانیان حس جدیدی از هم‌نوعی و مهربانی و وحدت ایجاد کرد می‌تواند این حس هم‌نوعی را در میان سایر ملت‌ها ایجاد نماید. انقلاب اسلامی بر خلاف انقلاب فرانسه سرچشمه سیاسی ندارد بلکه از سرچشمه‌ای مذهبی برخوردار است. کرامت انسانی، یکی از توصیه‌های مشترک همه دین‌هاست. هر دینی به نفع انسان بدون توجه به آلودگی‌هایی که سنت‌های محلی، قومی، نژادی و سایر برتری‌جویی‌های بشری تحمیل می‌کنند، عمل می‌کند.<sup>۲</sup>

انقلاب اسلامی به دلیل اینکه در گستره‌ای فراتر از سنت‌های نژاد، خاک، خون، قبیله و ملت

۱. الکسی دوتوکویل، همان، ص ۳۷ و ۳۸.

۲. همان، ص ۳۹.

عمل می‌کند نمی‌تواند تنها در مرزهای زادگاهش محدود شود. اگر همه قدرت‌ها دست به دست هم دهند که راه گسترش یک انقلاب مذهبی را سد نمایند، اگر آن انقلاب یک انقلاب مذهبی باشد، امکان ندارد در محدوده مرزهای زادگاه خود اسیر شود. دقیقاً همین وجوه انقلاب اسلامی است که منافع قدرت‌های حاکم بر نظام جهانی را به خطر می‌اندازد.

آیا انقلاب اسلامی الگوی انقلاب‌های جهان پساکولار خواهد شد؟ آنچه مسلم است جهان مدرنیته با همه معضلاتش یک جهان مذهبی نیست. بنابراین اگر روزی مردم علیه چنین جهانی قیام کنند هیچ جایگزینی جز مذهب برای جهان جدید نخواهند داشت.